

## مقدمه

از خصوصیات بارز قرن پنجم و ششم از طرفی ورود بیشتر افکار صوفیه در شعر فارسی و در آمیختن عرفان و تصوف با شعر بود. به‌ویژه در سده ششم و هم‌زمان با سنایی، گرایش اکثر پیروان مکتب بغداد<sup>۱</sup> به نوعی زهدگرایی است که حقیقت عرفان است. شعر صوفیانه را می‌توان مرحله تکامل یافتگی شعر تعلیمی به لحاظ محتوا دانست؛ با این توضیح که شعر تعلیمی اخلاقی به اصلاح اخلاق و رفتار اجتماعی نظر دارد، حال آنکه شعر تعلیمی صوفیانه غالباً فرد و تهذیب درونی او را هدف می‌گیرد. البته سنایی مبتکر این طریقه نیست و پیش از او عرفای بزرگی چون خواجه عبدالله و ابوسعید ابوالخیر و دیگران این اندیشه‌ها را در قالب نثر مسجع وارد نثر فارسی کرده بودند ولی او نخستین کسی است که زهد و وعظ و افکار زاهدانه و صوفیانه را با منطق حکیمانه وارد شعر فارسی کرد و به تعبیر خود شعر زهد و تحقیق را پدید آورد:

با سخن‌های سنایی خاصه در زهد و مثل

فخر دارد خاک بلخ امروز بر بحر عدن

و با «دستکار صنعت فکر و طبع معنی‌آفرین و فصاحت گستر او» (فروزانفر، ۱۳۵۰: ۲۵۴) در آثار عرفانی پس از وی به کمال رسید.

از سوی دیگر شعر فارسی دوره دوم حکومت غزنویان نسبت به دوره اول به‌دلیل مناسبات سیاسی و حکومتی از شادی آن روزگار بی‌بهره بود و بیشتر شاعران از تقلیب روزگار در رنج بودند. در شعر سنایی نیز تحولات و واقعیات اجتماعی به‌صورت نماها و بازتاب‌های عینی و واقعی اما پراکنده، به‌خصوص در حدیقه و قصایدش، به چشم می‌خورد. به گفته زرقانی «شعر او نه‌تنها نمودار جامعه عصر او که تصویری است از زنجیره تاریخ اجتماعی ما در همه ادوار» (زرقانی، ۱۳۸۱: ۲۶۲). از این رو میان ساختار اجتماعی و محتوای شعری او رابطه‌ای را می‌توان ملاحظه کرد.

حکیم غزنوی شاعر عارف قرن ششم سروده‌های تعلیمی و اجتماعی و زهد و مثل خویش را چنان با عبارات فصیح و بیانی شیوا مؤثر و گیرا ساخته است که صاحب «بلاغت نو» در این عرصه به حساب می‌آید. وی بی‌شک برای پروردن مضامین بلند عرفانی از آرا و افکار نویسندگان پیش از خود بهره برده است. غزالی از جمله متفکرانی است که بسیار مورد توجه سنایی بوده است. از سوی دیگر با نقش‌آفرینی سنایی در تغییر مسیر شعر فارسی، غالب شعرای پس از خود را در کمند نفوذ خویش آورده است. از آن جمله تعظیم و تکریم فوق‌العاده‌ای که مولوی در حق سنایی معمول داشته در نوع خود بی‌نظیر است. ما پیش از پرداختن به موضوع اصلی مقاله به‌طور اجمال به تبیین زوایایی از وضع عمومی شعر سنایی می‌پردازیم.

همسویی شعر سنایی با فرهنگ جامعه

«ادبیات آینه اجتماع است.» این سخن بدان معناست که «اندیشه شاعر محصول و برآیند فرهنگی روزگار اوست و رشد فکری و فرهنگی او در خلأ نیست بلکه در جامعه‌ای پدید می‌آید که بی‌شک در شکل‌گیری شخصیت او تأثیر مستقیم دارد.» (زرقانی، ۱۳۸۱: ۳۱۱)

کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی و دبیر هیأت دبیرستان‌های ساری  
مریم شاگردموتاب

یکی از زمینه‌هایی که نمایانگر ارزش و اهمیت کار سنایی اوست که باعث شده عرفانی و اجتماعی اوست نیز به‌عنوان شاعر تحول‌آفرین و موضوع‌گذار ادبی معرفی شود. قدر مسلم او در این توفیق از ما حاصل نگارنده در این جشنواره بی‌بهره نبوده بیان ما خند تمثیل یعنی از شعر سنایی که در کتاب «باغ عشق» آمده است، دوم با عنوان «حکایت تمثیلی را در کتاب «کیمیای سعادت» غزالی بار چستنه سپس آن را در «مشوی» مولوی نموده است. کلیدواژه‌ها: سنایی، تمثیل، غزنوی، مولوی



### سنایی و معتقدات کلامی شیعه

در دوره سنایی، مذهب شیعه اثنی عشری در کنار مذاهب دیگر نظیر اشعری و حنفی و شیعه اسماعیلیه از مذاهب قدرتمند و رو به رشد بوده است. لذا پاره‌ای از معتقداتی که وی در آثار خود به‌ویژه حدیقه و گاهی دیوان بیان می‌کند، براساس مذهب شیعه است. (به نقل از مدرس رضوی، حدیقه الحقیقه، ۱۳۶۲: ۱۲۰)

استاد شفیع کدکنی معتقد است که سنایی جبری و اشعری است، خردگرا نیست و عملاً در حوزه اهل حال و خردستیزان زمانه قرار می‌گیرد. زیربنای فکری او را مجموعه آرای اشاعره با تمام تفصیل آن را می‌سازد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۳۹) در عین حال به لحاظ اشاراتی که در حدیقه نسبت به آل مروان و آل ابوسفیان در حادثه صعبناک کربلا دارد، نظرش بسیار به عقاید شیعه نزدیک است. (حدیقه، باب دوم)

یکی از مبانی اعتقادی که مورد بحث فرق دینی آن عصر بود مسئله توحید افعالی است. مراد از این آن است که همه ذات‌ها، بلکه تمامی کارها، به مشیت و اراده خدا صورت می‌گیرد و به نحوی خواسته ذات مقدس اوست. توحید افعالی اشاعره بدان معناست که هیچ موجودی دارای هیچ اثری نیست و همه آثار مستقیماً از سوی خداست. بنابراین، خالق مستقیم افعال بندگان، حق تعالی است. البته این عقیده، بیان‌کننده جبر است: «اما توحید افعالی مورد نظر شیعه آن است که ضمن اصالت نظام اسباب و مسببات و قائم بودن «هر اثری به سبب نزدیک خود، قائم به ذات پروردگار است و این دو قیام در طول همدیگر است نه در عرض یکدیگر» (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲: ۶۷-۶۶)

سنایی براساس ذهنیت اشعری خویش، اراده انسان را وابسته و متعلق به اراده خداوند می‌داند و به وضوح، اختیار افعال و اعمال نیک و بد و هر حرکت و سکونی را به خداوند نسبت می‌دهد.

کار حکم ازلی دارد و نقش تقدیر که نوشته است همه بوده و نابوده در آن (سنایی، ۱۳۶۳: ۴۴۲)

انقیاد آر از مسلمانی به حکم او از آنک برنگردد ز اضطراب بنده تقدیر قدر (همان: ۲۸۸)

جبر را مارمیت کن از بر بازدان از رمیت سَر قدر (سنایی، ۱۳۷۷: ۱۶۴)

فاعل جنبش است و تسکین است وحده لاشریک له این است (همان: ۶۱)

در حقیقت سنایی قصد دارد با ارائه معتقدات کلامی به‌خصوص شیعه و اشاعره بین مذاهب آشتی پدید آورد.

### تأثیر اندیشه غزالی بر سنایی

چنان که گفته شد غزالی از جمله متفکرانی است که بسیار مورد توجه سنایی بوده است. تصوف غزالی کاملاً صبغه دینی دارد و تلفیقی میان شریعت و طریقت است. این مهم در کیمیای سعادت آشکار است. کیمیای سعادت علاوه بر اندیشه‌های صوفیانه، دربرگیرنده نوعی اخلاق مذهبی نیز هست. اخلاق مورد نظر غزالی متکی بر اخلاق دینی است که از تفکر در

قرآن نشئت گرفته است. به هر حال، چه اندیشه‌های عرفانی و چه اندیشه‌های اخلاقی غزالی که آن نیز همسو با عقاید صوفیانه است، در مجموع، کیمیای سعادت را به ارمغان آورده که مشرب و آبشخور بسیاری از متفکران بعد از وی بوده است. سنایی شماری از داستان‌هایی را که در حلقه‌های صوفیه رواج داشت، با استفاده از اندیشه‌های اندیشمندانی چون غزالی و با حکایاتی که از منابع مربوط تصوف اقتباس کرده بود، به هم آمیخت و با احادیث و آیات و آموزه‌های دینی و اخلاقی پرورد و میراث گران قدری از خود بر جای نهاد که بعدها به دست عطار و به‌ویژه مولوی به اوج کمال و شکوه دست‌نیافتنی خود رسید. به گفته استاد شفیع کدکنی، سنایی در قصیده‌هایش تجارب روحانی عارفان و زاهدان قرون گذشته را که به‌صورت منثور در کتاب‌هایی از نوع المصباح، قوت‌القلوب ابوطالب مکی و رساله قشیریه و حتی احیای علوم دین غزالی عرضه داشته است، وارد مجموعه‌های از ساختارهای سنتی و تجربه شده شعر فارسی کرد و چامه زهد و مثل را به‌وجود آورد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۲۴)

و در این راستا و حتی از تمثیلات غزالی غافل نمانده است. بهره‌گیری از تمثیل برای تقویت جنبه‌های فکری و بیان اندرز و موعظه به مخاطبان است و این از معیارهای تشخیص اندیشه و شعر سنایی است.

### خطی کز خرد خیزد...

استاد شفیع کدکنی در کتاب «تاز یانه‌های سلوک» ذیل تحلیل قصیده‌های به مطلع (دلا تا کی در این زندان فریب این و آن بینی) آن را اوج هنر شاعری سنایی و نماینده کامل تمام جوانب شعر او هم به لحاظ ساخت و صورت و هم از دیدگاه مضامین و معانی قلمداد می‌کند و همچنین نمونه‌ای از اشعار زهد و مثل سنایی می‌شمارد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۲۲۷)

در این قصیده پنجاه و پنج بیتی به مضامینی چون مذمت دوستی دنیا، دعوت به جهان عشق، برشمردن مراتب عشق، سلوک در راه حق، پایان‌ناپذیری طریق حق، پرهیز از متابعت هوای نفس، فضیلت خاموشی، ترک تعلقات دنیا، پرورش بعد معنوی (روح)، خدمت به خلق، پرهیز از گناه، مبارزه با نفس، دینداری، توحید، خداوند را فاعل کل دانستن، لزوم پیروی از عقل، درون بینی (توجه به معنویات)، پرهیز از ظاهرپرستی، ناپایداری عالم، ترک امیال دنیوی، زوال‌پذیری نعمت‌ها، عبرت‌پذیری، به دنبال نام نیک بودن نیز از دیگران به نیکی یاد کردن، سخن نو گفتن و مجالست با دانایان، پرداخته شده که در کتاب فارسی سال دوم دبیرستان به سیزده بیت تقلیل یافته است. در بیتی از این قصیده آمده:

ز یزدان دان نه از ارکان که کوتاه دیدگی باشد

که خطی کز خرد خیزد تو آن را از بنان بینی

مصراع دوم این بیت در واقع بخشی از یک حکایت تمثیلی است که پیش از سنایی، غزالی آن را در کیمیای سعادت بیان کرده است.

امام محمد غزالی طبیعت‌گرا و منجم را به مورچه مانند می‌کند و می‌گوید: «مثال ایشان چون مورچه‌ای است که بر کاغذی می‌رود. کاغذ را می‌بیند که سیاه می‌شود و بر وی نقش پیدا

شعر صوفیانه را می‌توان مرحله تکامل یافتگی شعر تعلیمی به لحاظ محتوای دانستی، با این توضیح که شعر تعلیمی اخلاقی به اصلاح اخلاق و رفتار اجتماعی نظر دارد. حال آنکه تهذیب درونی او را هدف می‌گیرد.

می‌آید، نگاه می‌کند، سر قلم ببندد و شاد شود و گوید: حقیقت این کار بشناختم، این نقاشی قلم می‌کند. پس مورچه دیگر بیامد که چشم وی فراخ‌تر بود... گفت غلط کردی، من این قلم را مسخری می‌بینم... حقیقت این است که من بدانستم که نقاش انگشت است (غزالی، ۱۳۸۶، ج ۱، ۵۷) به این ترتیب، میزان بینش منجم محدود است، چرا که او جهان را مسخر کواکب می‌داند و ماورای آن را نمی‌بیند و این دو نمونه، خود شاهدهی است برای کسانی که به عالم ارواح ترقی می‌کنند. همچنان که آسمان را مراتبی است، عالم ارواح نیز چون معراجی است که مراقی و مراتبی دارد و ملکوت سماوات را به قدر وسع هر کس به او فرا می‌نمایند. لذا هر کس به هر مرتبه‌ای که برسد، تنها به همان میزان و محدوده آگاهی و اشعار می‌یابد.

مولانا در دفتر چهارم مثنوی پس از ابیاتی که بنابر آن‌ها حرکت رگ‌های زمین را فعل حق می‌داند، به یاد حکایت این موران می‌افتد و با این تمثیل به این نکته می‌پردازد که ادراک انسان‌ها متفاوت است و هر کس به میزان بینش و دانش خود مسائل را درمی‌یابد، عقل انسان هم محدود است و نمی‌تواند همه حقایق را دریابد؛ مگر آنکه حق یاریگر او شود. و اینک حکایت مثنوی:

مورکی بر کاغذی دید او قلم  
گفت با مور دگر این راز هم

که عجایب نقش‌ها آن کلک کرد  
همچو ریحان و چو سوسن زار و ورد

گفت آن مور اصبع است آن پیشه ور  
وین قلم در فعل فرع است و اثر

گفت آن مور سوم کز بازو است  
که اصبع لاغر ز زورش نقش بست

همچنین می‌رفت بالا تا یکی  
مهتر موران فطن بود اندکی

گفت کز صورت ببینید این هنر  
که به خواب و مرگ گردد بی خبر

صورت آمد چون لباس و چون عصا  
جز به عقل و جان نجنبد نقش‌ها

بی خبر بود او که آن عقل و فواد  
بی ز تقلیب خدا باشد جماد

یک زمان از وی عنایت بر کند  
عقل زیرک ابلهی‌ها می‌کند

(مثنوی، دفتر چهارم / ۳۷۳۰ / ۳۷۲۲)

آن مورچه دانا هم حقیقت را نمی‌دانست. در واقع، عقل که سلطان بدن است بدون خواست خداوند هیچ است و اگر خداوند لحظه‌ای عقل را به حال خود رها کند، همین عقل

زیرک کارهای ابلهانه و خطاهای بزرگی انجام می‌دهد. سنایی در این قصیده، همچون دیگر آثارش، برای اثبات مقصود کلام خود را به اشارات از احادیث و آیات و قصص و تمثیلات آراسته است. وی در بیت:

ز بخشیدن چه عجز آید نگارنده دو گیتی را

که نقش از گوهران دانی و پخش از اختران بینی؟

با یک پرسش انکاری ضمن تعریض به کسانی که همه کارهای هستی را نتیجه تأثیر افلاک و ستارگان و عناصر اربعه می‌دانند، با تأکید در بیت بعد:

«ز یزدان دان نه از ارکان که کوتاه دیدگی باشد

که خطی کز خرد خیزد تو آن را از بنان بینی»

همه افعال آدمی را متعلق به اراده خداوند قلمداد می‌کند و با تمثیل مصراع دوم خطی را، که حاصل خرد و اندیشه آدمی و فعل آدمی است، مطابق ذهنیت اشعری خود به حق منسوب می‌داند؛ زیرا انگشتان کاتب در تصرف عقل و آنچه از آن صادر می‌شود، وابسته به مشیت حق است و به این ترتیب هر گونه دیدگاه مخالف را سطحی‌نگری و کوتاه‌بینی می‌داند.

### نتیجه

بر پایه آنچه تاکنون بدان اشارت رفت، می‌توان نتیجه گرفت که سنایی در نگارش آثار خود از اندیشه‌های عارفان و بزرگان پیش از خویش، کسانی که طریقه معرفتی ایشان بر پایه زهد بوده، به‌خصوص غزالی متأثر است.

دید اجتماعی و عرفان زهدگونه و جهان‌نگری سنایی دقیقاً در مسیر جامعه آن زمان پیش می‌رود. لذا می‌بینیم که وی یک عارف و صوفی محض نبوده بلکه فضای کلی اندیشه و عرفان او حکیمانه و اجتماعی است.

بیشتر اندیشه‌های کلامی وی از اعتقادات شیعه و اشاعره نزدیک سرچشمه می‌گیرد. در واقع، می‌خواهد دیدگاه‌های این دو فرقه را به هم نزدیک کند.

### پی‌نوشت

۱. مکتب عرفانی بغداد تقریباً از اوایل سده دوم هجری توسط برخی از صوفیان شکل گرفت و بعد به وسیله جنید بغدادی کامل شد. این مکتب در قرن چهارم به پشتوانه آموزه‌های جنید به اوج شکوفایی رسید. مهم‌ترین ویژگی این مکتب توجه به مبحث توحید و پای‌بندی به انجام ظواهر شریعت است. (انصاری، قاسم، مبانی عرفان و تصوف)

### منابع

۱. ادبیات فارسی، سال دوم دبیرستان، ۱۳۸۲.
۲. انصاری، قاسم؛ مبانی عرفان و تصوف، کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۷۵.
۳. زرقانی، سیدمهدی؛ زلف عالم سوز، نشر روزگار، تهران، ۱۳۸۱.
۴. ابوالمجد، سنایی غزنوی؛ دیوان، به تصحیح مدرس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۳.
۵. ابوالمجد، سنایی غزنوی؛ حدیقه الحقیقه، به تصحیح مدرس رضوی، انتشارات سنایی، تهران، ۱۳۷۷.
۶. شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ تازیانه‌های سلوک، سخن، تهران، ۱۳۸۵.
۷. صفا، ذبیح...؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، انتشارات فردوسی، تهران، ۱۳۶۷.
۸. امام محمد غزالی؛ کیمیای سعادت، ج ۲، تصحیح حسین خدیو جم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۶.
۹. فروزانفر، بدیع‌الزمان؛ سخن و سخنوران، خوارزمی، تهران، ۱۳۵۰.
۱۰. مطهری، مرتضی؛ کلیات علوم اسلامی، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۸۴.
۱۱. مولانا جلال‌الدین محمد؛ مثنوی معنوی، تصحیح رینولد نیکلسون، انتشارات مولی، تهران، ۱۳۶